

۴۰ درصد حوادث

بازار تهران مربوط

به سیم‌کشی و برق است

عدلیه

قاتل عاشق در ایستگاه محاکمه

مرد عاشق بیشه که زن جوان را با ۱۹ ضربه چاقو کشته بود با صدور کیفرخواست پرونده‌اش، به‌زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

به‌گزارش خبرنگار جام‌جم، شاهرخ بیست‌وششم فروردین امسال در جریان اختلاف با زن ۳۹ ساله‌ای او در خیابان گاندی تهران با ۱۹ ضربه چاقو کشت وگوشی‌اش را به سرقت برد. او دو هفته بعد در خانه‌ای روستایی در استان گلستان بازداشت شد‌و در تحقیقات پلیسی به قتل‌زن مورد علاقه‌اش اعتراف کرد. باگذشت سه‌ماه‌از این ماجرابرای آخرین جلسه تحقیقات به شعبه هشتم بازپرسی جنایی تهران منتقل شد و در اظهاراتش گفت: پنج‌ماه قبل از جنایت برای خرید به پاسازی در میدان ونک رفته بودم و با آن زن جوان به‌طور اتفاقی آشنا شدم. با او حرف زدم و او را به کافی‌شابی همان حوالی دعوت کردم. بعد شماره تلفنش را گرفتم و دوستی‌مان شروع شد. او طلاق گرفته و سه سال از من بزرگ‌تر بود. کم‌کم به هم علاقه‌مند شده و تصمیم داشتیم با او ازدواج کنیم اما از چند هفته قبل از قتل دیگر علاقه‌ای به من نشان نمی‌داد. به تلفن و پیام‌های بی‌توجه بود، می‌گفت قید ازدواج با او را بزنم. حس می‌کردم پای مرد دیگری در میان است. حال روزوم بد بود و از طرفی بیکار هم شده بودم. او را در خیابان دیدم و به زورگوشی‌اش را گرفتم تا شک من برطرف شود که دواعیام‌شان شد. عصبانی شده و با چاقو ضربه‌هایی به او زدم. او بعد از آخرین جلسه بازپرسی روانه زندان شد. این در حالی بود که خانواده مقتول برایش قصاص خواسته‌اند. سالار صنعتگر، بازپرس شعبه هشتم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: صدور جلب به دادرسی برای این پرونده صادر شد و به‌زودی متهم به قتل در دادگاه محاکمه خواهد‌شد.



مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران اعلام کرد: ۴۰ درصد حوادث بازار تهران به موضوعات برق مربوط است.

به‌گزارش جام‌جم، قدرت... محمدی در این‌باره اظهار کرد: سیم‌کشی و ظرفیت بازار مربوط به ۱۰۰ سال گذشته است و جوابگوی نیاز فعلی نیست، خسارات حادثه در بازار بالاست و نیاز به رسیدگی فوری دارد. جلسات زیادی در مورد بازار گذاشتیم که

متأسفانه متوقف شد. برای موضوع ایمن‌سازی و نوسازی بازار یک کمیته شامل دستگاه قضایی، آتش‌نشانی، اصناف، بازاریان و... باید تشکیل شود. ۸۰ درصد سرمایش بازار توسط کوئل گازی بوده که نیاز است سیستم برق‌رسانی آن نوشود. در بازار سیدولی، عملیات اطفای حریق ۵۴ ساعت طول کشید، چون هیچ‌گونه وسیله ایمن‌سازی در آن وجود نداشت.

وی ادامه داد: در موضوع بازار به دلیل وجود کابل‌ها، خودرو

گفت‌وگو با کارشناس اداره برق که کارت ۲۵۰ میلیونی را به صاحبش بازگرداند

پیروزی پاکدستی بر وسوسه شیطانی

برگرداند که رمز کارت کنارش بود و خود ۲۵۰ میلیون تومان بدهکار بود و به شدت به این پول نیاز داشت. گفت‌وگوی جام‌جم را با او بخوانید.

دانشگاه و رشته کارشناسی برق قدرت تحصیل کرده و ۱۰ سال است در اداره برق مشغول به کار است، کارت بانکی حاوی ۲۵۰ میلیون تومان را در حالی به صاحبش

کارشناس اداره برق امور شمال کرمانشاه بین وسوسه و پاکدستی، پاکدست بودن را انتخاب کرد. فرهاد جمشیدی ۳۸ ساله که در



ایلیا حسین زاده گروه حوادث

[۱] از ماجرای پیدا کردن ۲۵۰ میلیون تومان بگوئید.

نمی‌خواستم دیگر مستاجر باشم و برای خرید یک خانه ۵۰ متری در حاشیه شهر ۲۵۰ میلیون تومان پول کم داشتم. برای همین تمام مملایهای همسرم و خودروی آزادی‌ام را اوراق کرده و ۶۰ میلیون تومان فروختم و کمی از بدهی‌ام را بابت خرید خانه پرداختم اما هنوز ۱۹۰ میلیون تومان کم دارم. حدود ۱۵ میلیون وسایل روی خودروام بود که آن را به راننده‌ای که دستش تنگ بود و به این وسایل نیاز داشت دادم. بعد از انجام کارهایم متوجه کیفی شدم که داخل جوی افتاده بود. داخلش کارت بانکی همراه را رمز و مدارک شناسایی بود. مانده حساب گرفتم و متوجه شدم کارت حاوی ۲۵۰ میلیون تومان است.

[۲] ۲۵۰ میلیون تومان بدهی داشتید و همین مقدار پول در کارت بانکی بود، وسوسه نشدید؟

بعضی از دوستانم وسوسه‌ام کردند که با این پول طلا یا لوازم خانه بخرم اما قبول نکردم و به برخی افراد در اینستاگرام پیام دادم که این موضوع را اعلام کنند تا شاید صاحبش زودتر پیدا شود، حتی پیدا شدن کارت را در سایت دیوار هم اعلام کردم. در نهایت به بانک رفتم و همه چیز را برایشان تعریف کردم. بانک هم شماره تلفن صاحب کارت را داد که با او تماس گرفتم و گفتم آقا کارت بانکی‌کم کرده‌ای؟ او فکر کرد گم کرده اما بعد متوجه این موضوع شد و گفت من هم این پول را برای خرید خانه قرض کرده بودم و می‌خواستم روی آن وام بگیرم. اگر اطلاع نمی‌دادی تا مدت‌ها پیگیر کارت نمی‌شدم.

محکمه

معمای خفت‌گیری مرگبار در بیابان

تعقیب کرده و دستگیر کردند. آثار خون روی لباس آنها بود. در ابتدا مدعی می‌شوند هنگام فرار زمین خورده و زخمی شده‌اند. یکی از آنها در حین فرار جاقویی که همراه داشته را پرت می‌کند که پیدا می‌شود. پزشکی قانونی پس از آزمایش تخصصی اعلام کرده آثار خون روی لباس دو متهم متعلق به مقتول بوده است. یکی از متهمان جاقو و دیگری تیغ مکت‌بری همراه داشته که پزشکی قانونی هم در گزارش خود علت مرگ را جراحات با چاقو و تیغ مکت‌بری اعلام کرده است.

وی ادامه داد: ما شاهدی هم در پرونده اعلام کرده سه نفر را دیده که در حال زورگیری از متهم بودند. حتی یکی از آنها مدعی شده «بسه دیگه کشتیش» یکی از متهمان بعد از دستگیری خود را با هویت جعلی معرفی کرده. با توجه به دلایلی که به آن اشاره کرده و در پرونده وجود دارد، از طرف اولیای د برای هر دو متهم به اتهام مشارکت در قتل درخواست قصاص دارم. رئیس دادگاه سپس خطاب به شاهین گفت: اتهام شما براساس کیفرخواست، مشارکت در قتل عمدی و ایراد ضرب و جرح عمدی با چاقو است. اتهامات خود را قبول دارید؟ متهم جوان با رد اتهاماتش گفت: «خون روی لباس متعلق به خودم بود و نمی‌دانم، چرا پزشکی قانونی گفته مربوط به مقتول است. گوش‌ی مرا در زنی کنید معلوم می‌شود در زمان قتل کجا بودم. حتی قبلیش از عابر بانک در محل دیگری از پول گرفتم.» رئیس دادگاه: در زمان قتل در محل چکار می‌کردید؟ شاهین: اول یک چیزی بگویم، مهرداد از من به اتهام قتل همسرش شکایت کرده بود که تبرئه شدم. ما با هم رابطه خوبی

نداشتیم که بخواهیم در سرقت همدستی کنیم. آن شب ماشینم را در پارکینگ پارک کردم و به سمت خانه می‌رفتم که مهرداد سراغم آمد و به خاطر دوستی من و پسرش خواست آنها را آشتی بدهم. مثل این‌که آن روز سربک گوشی دعا کرده بودند. من ۲۰ سال است خانه‌ام در آن محل است. هیچ‌وقت در محل زندگی‌ام سرقت نمی‌کنم. رئیس دادگاه: چرا فرار کردید؟ شاهین: چون مواد همراه داشتم. رئیس دادگاه: درباره آثار خون مقتول روی لباست چه می‌گویی؟ شاهین: هنگام فرار کشم راگم کردم. حتی حس کردم پایم را در خون گذاشتم. رئیس دادگاه: اما سرباز گفته به سمت محل قتل نرفتی. شاهین: یک ساعت آنجا بودیم و چند بار جایمان را عوض کردند. رئیس دادگاه: چاقو متعلق به شما بود؟ شاهین: بله. رئیس دادگاه: نوک چاقو در بدن مقتول پیدا شد، چه توضیحی داری؟ (سکوت متهم)

رئیس دادگاه: روی قبض پارکینگ که در جیبیت بود رد خون متعلق پیدا شد. آن را هم قبول نداری؟ شاهین: شاید روی زمین افتاد و برداشتم. این طوری خونی شده. سپس نوبت به دفاع وکیل متهم رسید که او درخواستار

و نردبان‌های سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران نمی‌توانند از آن عبور کنند. محمدی تأکید کرد: ۴۰ درصد حوادث بازار به موضوعات برق مربوط است این در حالی است که روزانه ۱۷/۵ میلیون نفر در آن تردد می‌کنند؛ البته ۲۰ تا ۳۰ درصد ایمن‌سازی موضوعات مربوط به برق در بازار با کمک دستگاه قضایی و میراث فرهنگی انجام شده‌است.



تا آن دو ساعت مدنظر شرکت تأمین شود. ما مرخصی با حقوق هم نداریم. [۲] بزرگ‌ترین آرزویتان چیست؟ سه آرزو دارم. یکی این‌که تقاضا دارم اگر ممکن است وضعیت مرا از پیمانکاری به شرکی یا حجمی تبدیل کنند تا در زندگی‌ام ثبات پیداکنم، من هنوز حقوق خردادم‌سامم را دریافت نکرده‌ام.

آرزوی دومم این است که با زن و دو دختر و پسر سه و چهار ساله‌ام به مشهد بروم، چون تا به حال مسافرت نرفته‌ایم، سوم این‌که شما را به خدا در مورد طرح تبدیل وضعیت نیروهای شرکی که توسط مجلس تصویب شد و در انتظار مجمع تشخیص مصلحت نظام است هم بنویسید.

فراموش نکنید که دو میلیون نفر از نیروهای ما در انتظار تصویب این طرح هستند.



تحقیقات بیشتر در پرونده شد و گفت: براساس گزارش پزشکی قانونی خونریزی شدید باعث مرگ شده است. این در حالی است که اورژانس حدود ۶۵ دقیقه بعد به محل رسیده و مقتول توسط برادرش به بیمارستانی که حدود هفت دقیقه تا محل قتل فاصله داشت برده می‌شود. به نظر در این ماجرا به ترک فعل اورژانس و نقش آن در مرگ توجه نشده است. تنها شاهد هم معناد است و شهادتش قابل استناد نیست. مهرداد هم وقتی در جایگاه قرار گرفت با رد اتهامش گفت: من هیچ چیز را قبول ندارم. نمی‌دانم چرا پزشکی قانونی گفته خون مقتول روی لباس من بوده است. رئیس دادگاه: چرا کاتر همراه داشتی؟ مهرداد: تعمیر کفش انجام می‌دهم و وسیله کارم است. رئیس دادگاه: چرا با دیدن ماموران فرار کردی؟ مهرداد: صبح مواد خریدم بودم تا بکشم اما وقت نشد و مواد همراهم بود. من چون فرار ندارم و پنج متر فرار کردم. وکیل مهرداد هم با اشاره به تأخیر اورژانس در حضور در محل گفت: اگر سرفی در کار بود، باید کیف مقتول نزد آنها پیدا می‌شد اما هیچ چیز پیدا نشده است. در پایان قضاات جلسه را تجدید کردند تا تحقیقات بیشتری در پرونده انجام شود.

جام‌جم

حوادث

۱۹

INCIDENT

سه‌شنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۳ ■ شماره ۶۸۰۸

🕒 کوتاه‌از حوادث

حضانت، به قیمت بازی در فیلم سیاه

زن جوان برای این‌که بتواند حضانت پسرش را بگیرد مجبور بود مردان هوسران را شکار و با آنها فیلم سیاه بگیرد. به‌گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل بهار امسال مردی با حضور در پلیس آگاهی تهران از زنی به اتهام سرقت مقرون به آزار شکایت کرد و گفت: برای تغییرات در دکوراسیون خانه‌ام، دنبال یک دکواتور بودم. آن روز در خیابان اتفاقی زنی را سوار کردم تا به مقصدش برسانم که متوجه شدم او طراح دکوراسیون است. به او اعتماد کرده و به خانه‌ام بردم. نفهمیدم چطور نوشیدنی‌ام را مسموم کرد که بعد از خوردن آن بی‌هوش شدم. وقتی به‌هوش آمدم لباس مناسی نداشتم و طلا، پول و اموال قیمتی از خانه‌ام به سرقت رفته بود. از آن زن به اتهام سرقت اموال خانه‌ام شکایت دارم.

ماموران وقتی به خانه‌اش رفتند و فیلم دوربین‌های ساختمان را بازبینی کردند معلوم شد زن سارق با مردی همدست بوده و اموال را به‌اتفاق به سرقت بر برند. در ادامه ماموران با شکایت‌های مشابه دیگری رویه رو شدند تا این‌که روزهای پایانی هفته گذشته ماموران برای دستگیری قاچاقچیان به پاتوق شان در جنوب ماموران رفتند و چند نفری را بازداشت کردند. در بازرسی از گوشی یکی از آن قاچاقچیان، فیلم و عکس‌های سیاه از مردان مختلف همراه با زنی را یافتند. با بررسی هویت این مرد مشخص شد، او یکی از سارقان تحت تعقیب است. این مرد بعد از قاش شدن رارش گفت: ساقی مواد هستم. بی‌پول شده بودم، بنابراین از زن سابقم خواستم که در کمین مردان قرار بگیرد و به خانه‌شان راه پیدا کند، بعد آنها را بانوشیدنی بی‌هوش واموال شان را سرت کند عکس و فیلم سیاه می‌گرفتم تا در فرصت مناسب از شاکیان اخاذی کنم. با اعتراف این مرد، همسر سابقش هم بازداشت شد و در اظهاراتش گفت: به خاطر اعتیاد و قاچاقچی بودن شوهرم از او جدا شدم. حضانت پسرم را گرفتم و به‌سختی اجازه می‌داد ملاقاتش کنم. این اواخر تهدیدم کرد اگر در سرقت از مردان با او همکاری نکنم پسرمان را جایی می‌برد که دستم به او نرسد. اما اگر با او همکاری کنم حضانت را برای همیشه به من می‌دهد. من هم مجبور شدم با او همکاری کنم. سرهنگ کارآگاه مرتضی نئاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ در این‌باره به جام‌جم گفت: این زن و مرد در بازداشت به‌سر می‌برند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

آتش سوزی دانشکده به علت گرما

رئیس دانشکده پزشکی ایرانشهر درخصوص وقوع آتش سوزی در این دانشکده، گفت: گرمای شدید هوا و افت ولتاژ برق منجر به وقوع این حادثه شد. به‌گزارش روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر، دکتر پیک‌فلک در این‌باره گفت: این آتش سوزی که تمام طبقه سوم را فرا گرفته بود با اقدام به موقع آتش‌نشنان مهرا و سرایت آتش به سایر طبقات جلوگیری شد. علت گرمای شدید هوا و افت ولتاژ برق سالن کتابخانه در بیمارستان دچار حریق شد.

سارق ۲۰ هزار دلاری

رئیس پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری سارق منزل که با کیف کلید منزل شاک مبلغ ۲۰ هزار دلار سرقت کرده بود، خبر داد. سرهنگ علی قاسم‌پور به سایت پلیس گفت: فردی با حضور در کلانتری کوی نصر، شکایت کرد که در نبودش در خانه ۲۰ هزار دلار از آنجا به سرقت رفته است. همزمان با حضور ماموران در آنجا آن فیلم دوربین مدار بسته ساختمان را بازبینی کردند و تصویری از سارق فراری را یافتند. در جریان تحقیقات معلوم شد که متهم از دوستان فرزند شاک‌ی بوده که به منزل آنها در رفت وارد شده و با سوء استفاده از اعتماد فرزند ایشان، کلید خانه‌کیی کرده و در زمانی که هیچ‌کس داخل خانه نبوده به قصد سرقت به آنجا رفته است. متهم قصد سرقت از گاوصندوق منزل را داشته که با تخریب قفل آن موفق به باز کردن در آن نشده و در نهایت مبلغ ۲۰ هزار دلار را از داخل کتو سرقت و از خانه گریخته است، با شناسایی مخفیگاه متهم پس از هماهنگی‌های قضایی تیمی از ماموران به مخفیگاه متهم اعزام و در یک عملیات پلیسی متهم ۳۲ ساله دستگیر و به کلانتری منتقل شد و به این سرقت اعتراف کرد.

خواستگار سمج مردی راکشت

پسر جوان وقتی با مخالف پدر دختر مورد علاقه‌اش با ازدواج آنها روبه‌رو شد با دوستانش به خانه آنها حمله کرد و با زخمی کردن آن مرد او را به قتل رساند. سرهنگ اسماعیل زراعتیان، فرمانده انتظامی شیراز به جام‌جم گفت: پانزدهم تیر امسال، در پی تماس مردمی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع نزاع و درگیری منجر به جاقو خوردگی مردی ۴۳ ساله در روستای کفتکک شیراز، ماموران برای بررسی ماجرا به آنجا رفتند. در جریان تحقیقات معلوم شد که یکی از ضاربین پسری ۲۰ ساله است که قصد ازدواج با دختری را داشته و پس از مخالفت پدر او شب هنگام به همراه دو نفر از دوستانش که ۱۸ و ۲۰ ساله بودند به قصد ربع و وحشت وارد خانه آنها شده و پس از مشاجره لفظی، پدر دختر را با سلاح سرد به‌شدت مجروح و از صحنه متواری شدند. وی افزود: این در حالی بود که معلوم شد مرد زخمی ساعاتی بعد در بیمارستان فوت کرده است. قاتل و همدستانش شناسایی و در عملیات پلیسی بازداشت شدند.

مرد ۶۰ساله با شلیک گلوله به قتل رسید و جسدش

در فضای سبز کنار خیابان پیدا شد. در این ماجرا همسر و یکی از دختران او به‌عنوان مظنون‌های پرونده بازداشت شدند.

به‌گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۲ بامداد هجدهم تیر امسال یکی از ماموران کلانتری جنت‌آباد در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران از قتل مردی ۶۰ ساله در فضای سبز خیابان کوروش در غرب تهران خبر داد. با حضور تیم جنایی مشخص شد، این مرد بر اثر شلیک گلوله به سرش فوت کرده و زمان کوتاهی از مرگش می‌گذشت. در چند قدمی جسد یک عینک دودی شکسته و یک جعبه ابزار قرار داشت که وقتی آن را باز کردند داخلش سرم، آمپول و سرنگ بود.

مادر و دختر؛ مظنون‌های قتل مسلحانه پدر

مردی که با پلیس تماس گرفته بود در تحقیقات گفت: من و دو دوستم برای تفریح به پارک آمدیم. یک‌دفعه صدای شلیک گلوله شنیدیم. هراسان بیرون آمدیم، ردصدا ما را به فضای سبز کنار خیابان رساند که در آنجا با جسد مردی روبه‌رو شدیم. در حالی که ماموران مشغول تحقیقات در محل بودند یک زن میانسال و دختر ۱۷ ساله‌ای به سمت‌شان آمدند و گفتند که پدر خانواده گمشده و به دنبالش هستند. وقتی تصویر مرد گمشده را دیدند مشخص شد که او همان مرد کشته شده است. زن میانسال با دیدن جعبه کنار جسد گفت: من پرستار خانگی هستم و این جعبه کارم است، نمی‌دانم چطور در محل کشف جسد شوهرم پیدا

شده است. از سوی دیگر گوشی مقتول نشان داد همسرش بعد از قتل با او چند بازی تماس گرفته بود. با توجه به دلایل پلیسی، مادر و دختر دستگیر شده و دیروز به دادسرا منتقل شدند.

همسر مقتول در تحقیقات گفت: من و همسرم اختلاف و درگیری نداشتیم. دو دختر داریم که یکی از آنها ازدواج کرده است. پدرم در بیمارستان است و یکشنبه تا عصر مراقب او بودم. وقتی به خانه‌ام دهم، شوهرم معده‌اش درد می‌کرد و برای پیباده روی از خانه بیرون رفت. من هم برای تزریق‌ت بیماری به خانه‌اش رفتم. شب که بازگشتم دخترم گفت هر چه

به پدرش زنگ زده جواب نمی‌دهد با هم به سمت پارک رفتم که متوجه قتل شدیم. نمی‌دانم جعبه کارم

جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت:

این مادر و دختر به‌عنوان تنها مظنون‌های پرونده بازداشت شده‌اند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.



این در حالی بود که دخترش هم گفته‌های او را

تأیید کرد. موسی رضازاده، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای